

## Investigating the Simultaneous Effect of Corporate Governance and Audit Quality on Earnings Quality with the Mediating Role of Capital Structure and Financial Performance

Mohammad Ramazan Ahmadi<sup>1\*</sup>, Abdolmajid Ahangari<sup>2</sup>, Hamid Reza Hajeb<sup>3</sup>

1- Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran  
ahamadi\_m@scu.ac.ir

2- Department of Economic, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran  
a\_m\_ahangari@yahoo.com

3- Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran  
hrhajeb@gmail.com

### Abstract

**Objective:** Earnings quality is one of the most substantial features of financial reporting, influencing the optimal capital structure. This substantiality probably results from the fact that earning is generally considered as one of the main inputs of valuation models for both financial investors and analysts. This research aims to investigate the simultaneous effect of corporate governance and audit quality on accounting earnings quality, using structural modeling.

**Method:** With a sample of 2006 to 2015 and 700 firm-years, to analyze the data of the research period, structural equation modeling with partial least squares (PLS) approach and Smart-PLS software have been applied.

**Results:** The results of this research indicate that corporate governance and audit quality, directly and indirectly, through the mediating variable of financial performance, have a significant positive effect on the earnings quality; while, through the mediating variable of capital structure, the effect is significantly negative. Furthermore, our findings reveal that the direct impact of corporate governance and audit quality on earnings quality is stronger than their indirect effect.

**Keywords:** Earnings quality, Corporate governance, Audit quality, Capital structure, Structural modeling

### بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی

محمد رمضان احمدی<sup>۱\*</sup>، عبدالمجید آهانگری<sup>۲</sup>، حمیدرضا حاجب<sup>۳</sup>

۱- استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
ahamadi\_m@scu.ac.ir

۲- دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
a\_m\_ahangari@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
hrhajeb@gmail.com

### چکیده

**هدف:** کیفیت سود از ویژگی‌های مهم گزارش‌های مالی است که بر تخصیص بهینه منابع تأثیر می‌گذارد؛ زیرا سود یکی از ورودی‌های اصلی الگوهای ارزیابی سرمایه‌گذاران و تحلیلگران محسوب می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر کیفیت سود حسابداری با استفاده از الگویابی ساختاری است.

**روش:** به این منظور اطلاعات شرکت‌ها در فاصله زمانی ده‌ساله از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ بررسی و ۷۰۰ سال - شرکت انتخاب شد. برای تحلیل داده‌ها از الگویابی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم‌افزار Smart-PLS استفاده شده است.

**نتایج:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی) بر کیفیت سود تأثیر مثبت معنادار دارند؛ اما از طریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به‌طور معناداری تأثیر منفی می‌گذارند. به‌علاوه یافته‌ها نشان‌دهنده این است که تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر کیفیت سود، قوی‌تر از تأثیر غیرمستقیم آنهاست.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت سود، حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابداری، ساختار سرمایه، معادلات ساختاری

\* نویسنده مسؤول

## مقدمه

هدف اولیه حسابداری، فراهم کردن اطلاعات مفید برای سرمایه‌گذاران با هدف پیش‌بینی عملکرد واحد اقتصادی است. گزارش سود، منبع اولیه برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، مدیران و تحلیلگران است که برای محاسبه مالیات، ارزیابی عملکرد شرکت، مدیریت توزیع سود، مدیریت واحد اقتصادی و سایر موارد استفاده می‌شود. به علاوه، به دلیل اینکه ارزش یک شرکت با سودهای حال و آینده‌اش مرتبط است، تعیین سود اهمیت بسزایی دارد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۰۳).

به دنبال وقوع بحران‌های مالی پی‌درپی و ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در سال‌های اخیر، درباره کیفیت گزارشگری مالی تردید شده و انگشت اتهام به سوی گزارشگری مالی نشانه رفته است؛ زیرا مدیران شرکت‌ها با استفاده از روش‌های مختلف حسابداری و عواملی از قبیل قضاوت، تخصیص و برآورد می‌توانند گزارش‌های مالی و سود را دستکاری کنند؛ بنابراین، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ناگزیرند کیفیت سود گزارش شده توسط واحدهای اقتصادی را ارزیابی کنند تا از میزان اطمینان به این رقم اطلاع یابند؛ زیرا گرفتن تصمیم نادرست به سبب اطلاعات ناکافی و ناصحیح موجب می‌شود تسهیم منابع به صورت ناعادلانه انجام شود و رفاه اقتصادی و اجتماعی در جامعه محقق نشود.

کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، دنبال سازوکارهای مؤثری‌اند که بتواند رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر کند تا کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد و سرمایه‌گذاران بیشتری به سمت بازار سرمایه گرایش پیدا کنند. تا به حال پژوهش‌های متعددی درباره کیفیت سود انجام شده است. بخشی از مبانی مربوط به کیفیت سود، چگونگی محاسبه کیفیت سود را بررسی کرده است. حاصل این

پژوهش‌ها، ارائه الگوهایی متنوع و متفاوت برای محاسبه کیفیت سود بوده است. طیف وسیعی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره کیفیت سود، تأثیر عوامل مختلف بر کیفیت سود را بررسی کرده است. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد عواملی نظیر حاکمیت شرکتی (برگستاہلر<sup>۱</sup> و دیچو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷؛ ماتسوموتو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲)، کیفیت حسابرسی (لین<sup>۴</sup> و وانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ اشلمن<sup>۶</sup> و گو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴)، عملکرد مالی (دویل<sup>۸</sup>، جی<sup>۹</sup> و مک‌وی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷؛ چان<sup>۱۱</sup>، جگادیش<sup>۱۲</sup> و لکنیشوک<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶) و ساختار سرمایه (الزویی<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۸؛ باسیونی<sup>۱۵</sup>، سلیمان<sup>۱۶</sup> و رجب<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۶) می‌تواند بر کیفیت سود مؤثر باشد. از طرف دیگر، حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی (گامپرز<sup>۱۸</sup>، ایشی<sup>۱۹</sup> و متریک<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۳) و ساختار سرمایه (رهنمای رودپشتی و اصلانی، ۲۰۰۸) تأثیر دارد. کیفیت حسابرسی نیز بر عملکرد مالی (بای<sup>۲۱</sup> و چویی<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۲) و ساختار سرمایه (باتیا<sup>۲۳</sup>، علی<sup>۲۴</sup>، بلاچندران<sup>۲۵</sup> و جوردی<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۵) اثرگذار است.

برگستاہلر و دیچو (۱۹۹۷) دریافتند که سرمایه‌گذاران شرکت‌های دارای مالکان متعدد و بدون

1. Burgstahler
2. Dichev
3. Matsumoto
4. Lin
5. Hwang
6. Eshleman
7. Guo
8. Doyle
9. Ge
10. Mcvay
11. Chan
12. Jegadeesh
13. Lakonishok
14. Alzoubi
15. Bassiouny
16. Soliman
17. Ragab
18. Gompers
19. Ishii
20. Metrick
21. Bae
22. Choi
23. Bahatia
24. Ali
25. Balachandran
26. Jurdi

میان تخصص حسابداری در صنعت و کارآیی سرمایه‌گذاری را بین شرکت‌های خدماتی بررسی کردند. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده این بود که تخصص حسابداری در صنعت با کارآیی سرمایه‌گذاری ارتباط مثبتی دارد. بهاتیا و همکاران (۲۰۱۵) رابطه بین حق الزحمه حسابداری (معیار کیفیت حسابداری) و نسبت بدهی را بررسی کردند. نتایج نشان‌دهنده این بود که شرکت‌های با حق الزحمه حسابداری بیشتر، نسبت بدهی بالاتری دارند.

پژوهش‌های پیشین تأثیر متغیرهای گفته شده بر کیفیت سود را به صورت موردی و انفرادی بررسی کرده‌اند و هیچ کدام تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر کیفیت سود و نقش میانجی عملکرد مالی و ساختار سرمایه را لحاظ نکرده‌اند. پژوهش حاضر، با توجه به عوامل مؤثر بر کیفیت سود شرکت شامل حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابداری، ساختار سرمایه و عملکرد مالی، به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤالات است: روابط بین این متغیرها به چه صورت است؟ رابطه بین کیفیت سود با حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری چگونه است؟ آیا ساختار سرمایه و عملکرد مالی بر رابطه بین کیفیت سود با حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری تأثیر دارد؟ میزان و جهت اثر هر یک از متغیرها بر کیفیت سود چگونه است؟ آیا می‌توان الگویی ارائه کرد که در بورس اوراق بهادار تهران، کیفیت سود را با استفاده از اطلاعات شرکت‌ها تبیین کند؟ در واقع، نوآوری آن در این است که با استفاده از عوامل داخلی شرکت که بر کیفیت سود مؤثر است، الگویی ارائه دهد که میزان و جهت اثر هر یک از عوامل را نشان دهد. در این زمینه به طور همزمان، مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم را واکاوی می‌کند که بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر

سهامداران عمده به جای پردازش دقیق اطلاعات موردنیاز خود، بر معیارهای کم‌هزینه‌ای مانند شاخص‌های مبتنی بر سود اتکا می‌کنند. آنان معتقدند هرچه تعداد سهامداران جزء یک شرکت بیشتر باشد، احتمال اتکا بر شاخص‌های ساده سود افزایش می‌یابد. در نتیجه، اتکا بر شاخص‌های سود سبب افزایش احتمال مدیریت سود می‌شود. به علاوه، در شرکت‌های دارای سهامداران متعدد و متنوع در مقایسه با شرکت‌های دارای سهامداران عمده، احتمال انجام مدیریت سود بیشتر است. لین و وانگ (۲۰۱۰) برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری از سه معیار اندازه حسابداری، تخصص و دوره تصدی حسابداری استفاده کردند و دریافتند که این معیارها رابطه منفی با مدیریت سود دارند. دوپل و همکاران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای عملکرد ضعیف، از رویه‌های حسابداری برای بهبود سود شرکت استفاده می‌کنند؛ بنابراین، کیفیت سود پایینی دارند. به طور خاص عملکرد ضعیف شرکت انگیزه مدیریت سود را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش الزوبی (۲۰۱۸) نشان می‌دهد کیفیت حسابداری و اهرم مالی پایین، قابلیت و توانایی مدیریت سود را کاهش و کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. همین طور بدهی زیاد، ریسک مدیریت سود را افزایش می‌دهد. گامپرز و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که ساختار حاکمیت شرکتی مناسب بر عملکرد شرکت و ارزش بازار آن تأثیر مثبت دارد. رهنمای رودپشتی و اصلانی (۲۰۰۸) به این نتیجه دست یافتند که با افزایش تمرکز مالکیت، به طور معناداری بر میزان تأمین مالی از طریق بدهی افزوده می‌شود؛ یعنی طبق قاعده کلی، سهامداران اکثریت در ایران هم نمی‌خواهند با آوردن شرکای جدید کنترل خود را بر شرکت از دست بدهند. بای و چویی (۲۰۱۲) ارتباط

کیفیت سود تأثیر می‌گذارند. برای اندازه‌گیری هر یک از عوامل نیز چندین شاخص در نظر گرفته شده است. از آنجا که در اندازه‌گیری کیفیت سود اجماع نظری وجود ندارد، به‌طور همزمان از معیارهای مبتنی بر حسابداری (پایداری و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی سود) و معیارهای مبتنی بر بازار (صادقانه‌بودن و به‌موقع‌بودن سود) استفاده شده است.

### مبانی نظری

در تعریف مفهوم کیفیت سود به دو ویژگی برای تعیین کیفیت اشاره شده است: یکی سودمندی در تصمیم‌گیری و دیگری ارتباط بین کیفیت سود و سود اقتصادی؛ یعنی کیفیت سود بالا، نشان‌دهنده مفیدبودن اطلاعات سود برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و مطابقت بیشتر آن با سود اقتصادی است (شیر<sup>۱</sup> و وینست<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). کاهش کیفیت سود به این معناست که سود گزارش شده از نتیجه عملکرد واحد اقتصادی متفاوت است. در چنین شرایطی محتوای اطلاعاتی سود کاهش می‌یابد و استفاده‌کنندگان کمتر می‌توانند در الگوهای تصمیم‌گیری خود به این عنصر مهم صورت‌های مالی تکیه کنند (نوروش، مشایخی و برقی، ۲۰۰۹).

در پژوهش‌هایی که عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود را بررسی می‌کنند، عوامل مؤثر نقش متغیر مستقل و کیفیت سود نقش متغیر وابسته را دارد. اگرچه عوامل مؤثر بر کیفیت سود بسیار متنوع‌اند، عوامل داخلی شرکت از قبیل حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به‌منزله متغیرهای مستقل و عملکرد مالی و ساختار سرمایه به‌منزله متغیرهای میانجی بررسی شده است. دستیابی به سودهای باکیفیت، به‌سازوکارهای اجرایی

مناسب نیازمند است که یکی از مهم‌ترین آنها نظام حاکمیت شرکتی است. نظام حاکمیت شرکتی، زندگی بلندمدت شرکت را هدف قرار می‌دهد و سعی دارد از منافع سهامداران در مقابل مدیران پشتیبانی کند و مانع از انتقال ناخواسته ثروت میان گروه‌های مختلف و تضييع حقوق عموم و سهامداران جزء شود (بولو، ۲۰۰۷). یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، مدیران غیرموظف عضو هیئت‌مدیره است که نسبت به سایر اعضا، انگیزه قوی‌تری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرایند گزارشگری مالی دارند. نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی به حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره کمک می‌کند (پیسنل<sup>۳</sup>، پاپ<sup>۴</sup> و یانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). سهامداران نهادی و تمرکز سهامداران نیز سازوکار دیگر حاکمیت شرکتی است. سهامداران بزرگ اختیار فروش سرمایه‌گذاری‌هایشان را دارند؛ ولی بزرگی اندازه سرمایه آنها به‌حدی است که سهام در اختیارشان بدون تأثیر گذاشتن بر قیمت‌های سهام و کاهش ارزش آنها فروختنی نیست؛ بنابراین، آنها مجبورند راهبرد بلندمدتی را بپذیرند و همین مسئله سبب انگیزه بیشتر آنها برای نظارت فعالانه مدیر می‌شود. به‌علاوه، سهامداران بزرگ نسبت به سهامداران کوچک، توانایی بیشتری برای ارزیابی دقیق‌تر و کاراتر صورت‌های مالی دارند؛ زیرا بیشتر آنها از میان سرمایه‌گذاران نهادی و سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ‌اند که امکانات بهتری را در اختیار دارند (جانگ<sup>۶</sup> و ون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). ماتسوموتو (۲۰۰۲) به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که عمده سهام آنها به سرمایه‌گذاران نهادی متعلق است، با احتمال بیشتری از مدیریت سود برای دستیابی به

3. Peasnell  
4. Pope  
5. Young  
6. Jung  
7. Kwon

1. Schipper  
2. Vincent

(۲۰۰۲) با استفاده از چهارچوب نظری نمایندگی رابطه بین ساختار سرمایه و ساختار مالکیتی را بررسی کردند. آنها دریافتند که رابطه مثبتی بین سهامداران عمده و اهرم مالی وجود دارد. در واقع، سهامداران اکثریت تمایلی ندارند تا با آوردن شرکای جدید، کنترل خود را بر شرکت از دست بدهند.

حسابرسان برای حفظ منافع سهامداران در مقابل تحریف‌ها و اشتباه‌های بااهمیت صورت‌های مالی می‌توانند با بهبود کیفیت حسابداری، اعمال مدیریت سود را کشف و مدیران را به بهبود کیفیت سود وادار کنند (نمازی، بایزیدی و جبارزاده کنگرلویی، ۲۰۱۱). کیفیت حسابداری که تعیین‌کننده عملکرد حسابداری است، تابع عوامل متعددی از قبیل اندازه مؤسسه حسابداری، تخصص و دوره تصدی حسابرس است. مؤسسات حسابداری بزرگ‌تر، خدمات حسابداری را با کیفیت بیشتری ارائه می‌کنند؛ زیرا به دنبال حفظ و بهبود شهرت خود هستند و هیچ نگرانی بابت ازدست‌دادن مشتریان خود ندارند. همین‌طور به دلیل دسترسی بیشتر به منابع و امکانات برای آموزش حسابرسان خود، خدمات باکیفیت تری ارائه می‌دهند. دوره تصدی کوتاه نیز ممکن است ریسک بالاتر شکست حسابداری را به دنبال داشته باشد؛ زیرا حسابرسانی که تجربه‌ای کم و دانشی ناکافی از فعالیت صاحبکار دارند، مجبور می‌شوند بیشتر به برآوردهای صاحبکار اتکا کنند. حسابرسان متخصص در صنعت نسبت به حسابرسان غیرمتخصص، با احتمال بیشتری می‌توانند گزارشگری گمراه‌کننده و موارد غیرقانونی را به‌ویژه در سال‌های ابتدایی حسابداری کشف کنند (گول<sup>۹</sup>، فانگ<sup>۱۱</sup> و جاگی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹). یافته‌های پژوهش

شاخص از پیش تعیین شده (سود) استفاده می‌کنند. بوشی<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) معتقد است احتمال انجام مدیریت سود در شرکت‌هایی که مالکیت به‌طور عمده به سرمایه‌گذاران نهادی متعلق است، در مقایسه با شرکت‌های دیگر بیشتر است.

حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ساختار سرمایه نیز تأثیر دارد. افزایش ضریب اطمینان فعالیت‌های شرکت و سیاست‌های مدیریت در راستای منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان، از اهداف حاکمیت شرکتی است؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها رابطه معناداری وجود داشته باشد. نوی<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) بیان می‌کند که مالکان نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی‌اند که از طریق نظارت بر عملکرد و کنترل غیرمستقیم شرکت، نقش کلیدی در حداقل کردن تضادهای نمایندگی ایفا می‌کنند. چنین تمرکزی می‌تواند به دلیل دسترسی به اطلاعات محرمانه، موجب عدم تقارن اطلاعاتی بین آنها و سهامداران کوچک‌تر شود. براون<sup>۳</sup> و کایلر<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) و دیتمیر<sup>۵</sup> و مارت‌اسمیت<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) دریافتند که شرکت‌های دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی‌تر، عملکرد بهتر و ارزش بازار بالاتری دارند. آگهی اسکویی و ملکی (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مالکیت و عملکرد رابطه معناداری وجود ندارد؛ ولی رابطه ضعیفی بین سهامداران نهادی و عملکرد وجود دارد. رضایی و محمدزاده (۲۰۱۸) دریافتند که حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری بر عملکرد و ارزش شرکت دارد. بریلسفورد<sup>۷</sup>، اولیور<sup>۸</sup> و پوا<sup>۹</sup>

1. Bushee
2. Noe
3. Brown
4. Caylor
5. Dittmar
6. Mahrt-Smith
7. Brailsford
8. Oliver

9. Pua
10. Gul
11. Fung
12. Jaggi

اشلمن و گو (۲۰۱۴) نشان داد بین صرف حق الزحمه حسابرسی و احتمال استفاده مدیران از ارقام تعهدی اختیاری در راستای مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد. صالحی، بزرگمهریان و امینی (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه رسیدند که اندازه و تخصص حسابرس با پایداری سود ارتباط مثبت معناداری دارد؛ اما تداوم تصدی حسابرس رابطه معناداری با پایداری سود ندارد. بندریان، وحیدی الیزئی و مقصودی (۲۰۱۸) دریافتند که کیفیت حسابرسی سبب کاهش مدیریت سود می شود. بذرافشان و عارف منش (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که تغییر حسابرس در سال قبل از ورشکستگی موجب کاهش سود می شود؛ ولی اندازه حسابرس تأثیری بر مدیریت سود ندارد.

از طرف دیگر، کیفیت حسابرسی می تواند بر ساختار سرمایه و عملکرد مالی تأثیرگذار باشد. حسابرسی صورت های مالی اثرات منفی جدایی مالکیت از مدیریت را به وسیله کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین کاربران و تهیه کنندگان صورت های مالی کاهش می دهد؛ بنابراین، حسابرسی با کیفیت مطلوب می تواند موجب هماهنگی بیشتر میان مدیران و سرمایه گذاران و اعتباردهندگان شود و بر ساختار سرمایه تأثیر بگذارد (ایتون<sup>۱</sup>، بروی<sup>۲</sup> و ویل<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) دریافتند که رابطه بین انتخاب مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالا و اهرم شرکت در کشورهای مختلف به طور چشمگیری متفاوت است. نتایج پژوهش علوی طبری و هاشمیان (۲۰۱۱) نشان می دهد کیفیت حسابرسی بر نسبت بدهی شرکت ها تأثیر معناداری ندارد. بادآورنهدی و تقی زاده خانقاه (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت حسابرسی و کارآیی سرمایه گذاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب، بهبود کیفیت

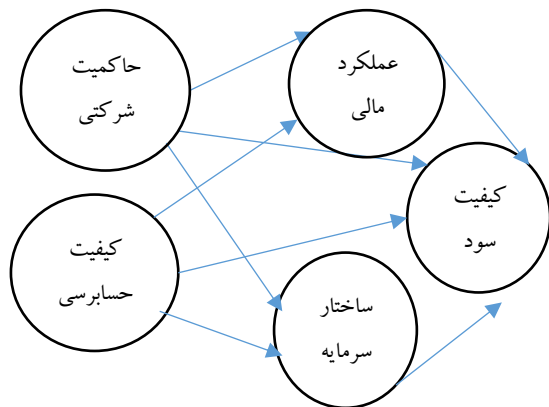
حسابرسی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و برطرف کردن مشکلات نمایندگی سبب افزایش کارآیی سرمایه گذاری می شود. صالحی، موسوی شیبری و سدیرنوغانی (۲۰۱۴) دریافتند که حق الزحمه حسابرسی با شاخص های عملکرد مالی رابطه معناداری ندارد.

تأثیر ساختار سرمایه بر کیفیت سود را می توان از دو دیدگاه بررسی کرد: دیدگاه اول بیان می کند که با افزایش سطح بدهی کیفیت سود افزایش می یابد؛ زیرا اعتباردهندگان برای اعطای اعتبار، صورت های مالی حسابرسی شده را درخواست می کنند و هرچه کیفیت اطلاعات ارائه شده بالاتر باشد، اعطای اعتبار راحت تر صورت می گیرد؛ بنابراین، از این طریق کنترل چشمگیری بر اعتبارگیرندگان اعمال می کنند و سبب ارائه اطلاعات دقیق و باکیفیت از سوی آنها می شوند. دیدگاه دوم بیانگر آن است که مدیران برای دریافت اعتبار تمایل دارند اطلاعات مالی شرکت را دستکاری کنند و وضعیت مالی مطلوب تری را به نمایش بگذارند. در نتیجه با افزایش سطح بدهی، کیفیت اطلاعات کاهش می یابد (امیری و محمدی خورزوقی، ۲۰۱۳). بیتی<sup>۴</sup> و وبر<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) اثر شروط قراردادهای بدهی بانکی را بر انتخاب رویه های حسابداری یک شرکت بررسی کردند. آنها دریافتند هنگامی که قراردادهای بدهی بانکی تغییر روش حسابداری را مجاز می داند، احتمال بیشتری وجود دارد که وام گیرندگان تغییراتی در جهت افزایش سود ایجاد کنند. هرچند هنگامی که هزینه های موردانتظار تخطی از شروط قرارداد بدهی پایین تر است، این تغییرات کاهش می یابد. براساس نتایج پژوهش بارتو<sup>۶</sup> (۱۹۹۳) شرکت ها به کمک سود حاصل از فروش دارایی ها، نوسان سود را کاهش می دهند تا شرایط مندرج در قرارداد بدهی را به دست آورند. باسیونی و

4. Beatty  
5. Weber  
6. Bartov

1. Ittonen  
2. Broye  
3. Weill

اندازه گیری، نحوه ارتباط متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار (شاخص‌های) آنان را منعکس می‌کند.



شکل (۱) الگوی مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- فرضیه ۱: حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر مستقیم دارد.
- فرضیه ۲: کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر مستقیم دارد.
- فرضیه ۳: حاکمیت شرکتی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.
- فرضیه ۴: حاکمیت شرکتی از طریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.
- فرضیه ۵: کیفیت حسابرسی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.
- فرضیه ۶: کیفیت حسابرسی از طریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

همکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که اهرم مالی شرکت رابطه مثبت معناداری با مدیریت سود دارد. عملکرد مالی می‌تواند بر کیفیت سود تأثیر بگذارد. چان و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که ضعف در عملکرد شرکت‌ها سبب کاهش کیفیت سود می‌شود. انصاری، نداپور و شیرزاد (۲۰۱۳) دریافتند که عملکرد شرکت هم با مدیریت واقعی سود و هم با سطح کلی مدیریت سود رابطه معکوس و معناداری دارد؛ یعنی هرچه عملکرد شرکت بهبود یابد مدیریت سود کاهش می‌یابد. این در حالی است که برخی پژوهشگران نظیر دی‌آنجلو<sup>۱</sup>، دی‌آنجلو و اسکینر<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) معتقدند عملکرد ضعیف بلندمدت یک شرکت می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را محدود کند.

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، الگوی مفهومی روابط بین متغیرهای پژوهش را می‌توان به شرح شکل (۱) ترسیم کرد. روابط بین متغیرهای موجود در شکل (۱)، روابطی ساختاری‌اند که با نظریه و پیشینه پژوهش تأیید و پشتیبانی می‌شوند. هدف پژوهش حاضر الگویابی ساختاری روابط بین متغیرهای مزبور است؛ بنابراین، از الگویابی معادلات ساختاری برای تبیین روابط بین متغیرها استفاده می‌شود. تمام متغیرهای موجود در الگوی مفهومی شکل (۱)، از نوع متغیرهای پنهان<sup>۳</sup> هستند که برای اندازه‌گیری هر یک از آنها باید شاخص یا الگوی اندازه‌گیری معرفی کرده‌اند. برای اندازه‌گیری هر متغیر پنهان، چندین متغیر آشکار<sup>۴</sup> یا الگوی اندازه‌گیری تعریف شده است. هر الگوی معادلات ساختاری، از یک الگوی ساختاری و چندین الگوی اندازه‌گیری تشکیل می‌شود. بخش ساختاری ارتباط بین متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد و الگوی

1. DeAngelo  
2. Skinner  
3. Latent variables  
4. Observed variable

## روش پژوهش

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، به‌منزله جامعه آماری بررسی شده است. سال مالی این شرکت‌ها، سال منتهی به پایان اسفندماه هر سال است (برای خنثی کردن تأثیر چرخه‌های تجاری مؤثر بر عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها) که باید قبل از سال مالی ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و جزء شرکت‌های بیمه‌ای، مالی و سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها نباشند. براساس این معیارها ۷۰۰ سال - شرکت شناسایی شد.

پس از وارد کردن داده‌های خام در نرم‌افزارهای Excel و SPSS، متغیرهای پژوهش، استخراج و با استفاده از نرم‌افزار<sup>۱</sup> Smart-PLS تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد. برای الگویابی معادلات ساختاری در PLS، برازش الگوهای اندازه‌گیری (پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا)، برازش الگوی ساختاری (معیار Z، معیار R<sup>2</sup> و معیار Q<sup>2</sup>) و برازش الگوی کلی (معیار<sup>۲</sup> GOF) بررسی شد؛ سپس فرضیه‌های پژوهش (بارهای عاملی، ضرایب معناداری Z و ضرایب استانداردشده مسیر) آزموده شد. در پایان، برای آزمودن تأثیر یک متغیر میانجی از آزمون سوبل<sup>۳</sup> استفاده شد.

## جدول (۱) متغیرهای پژوهش

متغیر پنهان	متغیر آشکار	نحوه اندازه‌گیری
حاکمیت شرکتی (Govern)	استقلال هیئت‌مدیره (Ind)	تعداد مدیران غیرموظف تقسیم بر کل اعضای هیئت‌مدیره
	مدیرعامل (Dual)	اگر مدیرعامل رییس یا نایب‌رییس هیئت‌مدیره باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک

تمرکز مالکیت (Conc) (پارسا <sup>۴</sup> ، چونگ <sup>۵</sup> و ایسیمویا <sup>۶</sup> ، ۲۰۰۷)	درصد سهام اولین سهامدار عمده شرکت	کیفیت حسابرسی (Audit)
سهامداران نهادی (Inst) (پارسا و همکاران، ۲۰۰۷)	درصد تجمعی سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری عمده نگهداری می‌شود.	
تخصص مؤسسه حسابرسی (Spec) (میهو <sup>۷</sup> و ویلکینز <sup>۸</sup> ، ۲۰۰۳)	اگر حسابرس متخصص صنعت باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر	عملکرد مالی (Perform)
دوره تصدی (Tenu) (داس <sup>۹</sup> و پاندیت <sup>۱۰</sup> ، ۲۰۱۰)	لگاریتم تعداد سنوات حسابرسی توسط یک مؤسسه	
اندازه مؤسسه حسابرسی (Size) (داموداران <sup>۱۱</sup> ، ۲۰۰۲)	سازمان حسابرس یک و سایر مؤسسات صفر	ساختار سرمایه
ارزش افزوده اقتصادی (EVA) (داموداران <sup>۱۱</sup> ، ۲۰۰۲)	$EVA = NOPAT - K_w (Capital_{t-1})$	
بازده دارایی‌ها (ROA)	سود قبل از مالیات تقسیم بر دارایی‌ها	ساختار سرمایه
کیو توین (Tobin) (وانگ <sup>۱۲</sup> ، جو <sup>۱۳</sup> ، چانگ <sup>۱۴</sup> و وو <sup>۱۵</sup> ، ۲۰۱۴)	(ارزش دفتری بدهی‌ها + ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها	
بدهی به دارایی‌ها (Lev)	بدهی‌ها تقسیم بر دارایی‌ها	

4. ParsaZ
5. Chong
6. Isimoya
7. Mayhew
8. Wilkins
9. Das
10. Pandit
11. Damodaran
12. Wang
13. Jou
14. Chang
15. Wu

1. Partial least squares
2. Goodness of fit
3. Sobel test



۰/۴ مناسب است (هولاند<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹). با توجه به شکل (۲)، برخی متغیرهای آشکار که مقداری کمتر از ۰/۴ دارند، باید از الگو حذف شوند. اگر ضریب پایایی ترکیبی نیز بالاتر از ۰/۷ باشد، الگو پایایی مناسب دارد. با توجه به جدول (۲)، ضرایب پایایی ترکیبی برای همه متغیرهای پنهان بالاتر از ۰/۷ است که پایایی مناسب الگو را نشان می‌دهد.

**جدول (۲) ضرایب پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی متغیرهای پنهان**

متغیر پنهان	ضریب پایایی ترکیبی (Alpha > 0.7)	میانگین واریانس استخراجی (AVE > 0.5)
کیفیت حسابرسی (Audit)	۰/۸۳	۰/۷۱
کیفیت سود (EQ)	۰/۷۹	۰/۵۶
حاکمیت شرکتی (Govern)	۰/۹۳	۰/۸۶
عملکرد مالی (perform)	۰/۷۲	۰/۵۷
ساختار سرمایه (Struct)	۰/۷۷	۰/۶۳

میزان همبستگی متغیر پنهان با متغیرهای آشکار خود، از طریق روایی همگرا بررسی می‌شود. معیار AVE نشان دهنده روایی همگراست. چنانچه مقدار AVE بیشتر از ۰/۵ باشد، روایی همگرا در سطح مناسبی است. این مقدار برای همه متغیرهای پنهان به استثنای متغیر پنهان کیفیت سود بالاتر از ۰/۵ است. در اینگونه موارد باید متغیری که کمترین بار عاملی را دارد حذف و دوباره مقدار AVE محاسبه و کنترل شود (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). همان گونه که در شکل (۲) مشخص است، متغیر ارزش

7. Hulland

(وانگ و همکاران، ۲۰۱۴)	(Struct)
بدهی به حقوق صاحبان سهام (Debt) (آنوار <sup>۱</sup> و چین <sup>۲</sup> ) (۲۰۱۶)	
پایداری سود (Pers) (فرانسیس <sup>۳</sup> ، لافوند <sup>۴</sup> ، اولسون <sup>۵</sup> و شیر (۲۰۰۴)	
ارزش پیش‌بینی کنندگی سود (Predic) (دیچو <sup>۶</sup> ، ۱۹۹۴)	کیفیت سود (EQ)
صادقانه بودن سود (Relev) (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴)	
به موقع بودن سود (Time) (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴)	

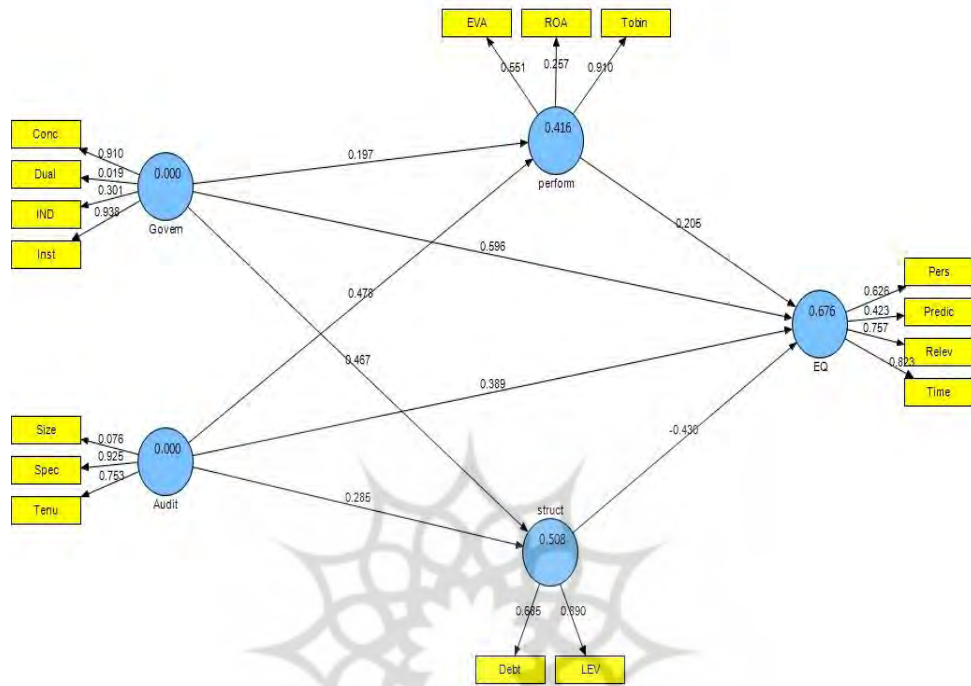
### یافته‌ها

مراحل الگویابی معادلات ساختاری شامل بررسی برازش الگو و آزمودن فرضیه‌هاست. برازش الگوی اندازه‌گیری از طریق پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا بررسی می‌شود. سنجش بارهای عاملی و پایایی ترکیبی نیز می‌تواند پایایی را بسنجد. ضریب بار عاملی بیشتر از

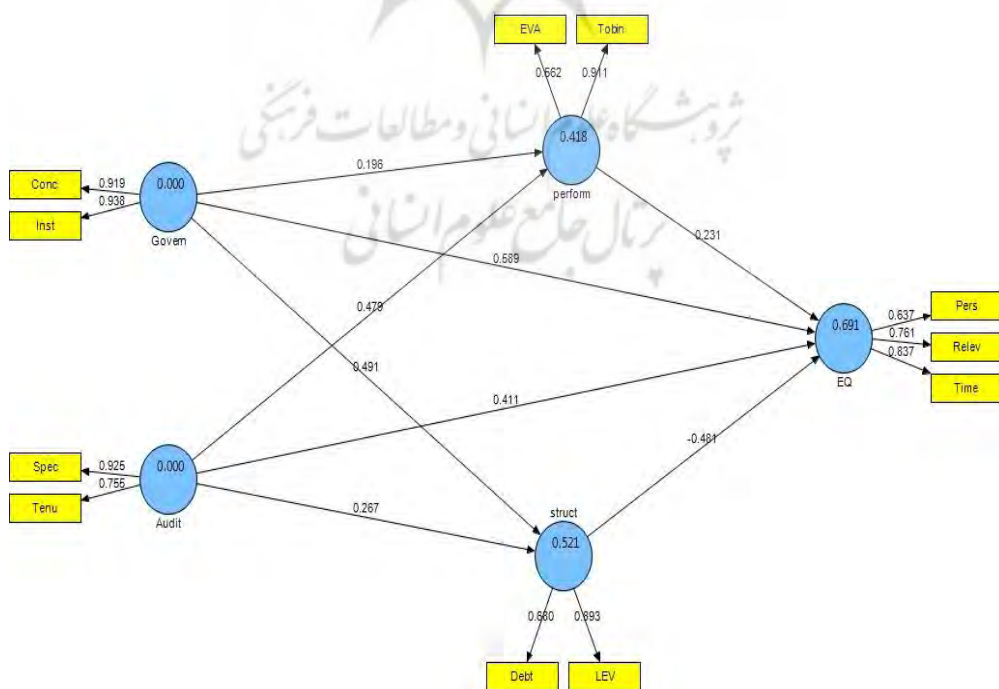
1. Anuar
2. Chin
3. Francis
4. Lafond
5. Olsson
6. Dechow

استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه مؤسسه حسابرسی، نرخ بازده دارایی ها و ارزش پیش بینی کنندگی سود) نشان می دهد.

پیش بینی کنندگی سود کمترین بار عاملی را دارد؛ بنابراین، از الگو حذف و دوباره AVE محاسبه می شود که در جدول (۲) ارائه شده است. شکل (۳)، الگوی مفهومی پژوهش را پس از حذف متغیرهای آشکار



شکل (۲) بار عاملی متغیرهای آشکار پژوهش قبل از اصلاح الگو



شکل (۳) بار عاملی متغیرهای آشکار پژوهش پس از اصلاح الگو

همان گونه که در جدول (۳) مشخص است، همه متغیرهای آشکار مربوط به هر یک از متغیرهای پنهان همبستگی بیشتری نسبت سایر سازه‌ها دارند. برای مثال، تمرکز مالکیت و سرمایه گذاران نهادی که متغیرهای آشکار مربوط به متغیر پنهان حاکمیت شرکتی اند، در سطر مربوط به آن بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند (مورد اول). برای بررسی مورد دوم نیز از ماتریس ارائه شده توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده می شود. با توجه به جدول (۴)، از آنجا که قطر اصلی، بیشترین مقدار (جذر AVE) را در هر ستون به خود اختصاص داده است، می توان گفت متغیرهای پنهان تعامل بیشتری با متغیرهای آشکار خود دارند تا با متغیرهای پنهان دیگر (هنسلر<sup>۳</sup>، رینگل<sup>۴</sup> و سینکوویس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). با توجه به نتایج مورد اول و دوم روایی الگو در حد مناسبی است.

**جدول (۴) ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا**

کیفیت سود	ساختار سرمایه	عملکرد مالی	کیفیت حسابداری	حاکمیت شرکتی	متغیرهای پنهان
					کیفیت حسابداری
			۰/۷۵	۰/۷۱	کیفیت سود
		۰/۹۳	۰/۷۱	۰/۸۰	حاکمیت شرکتی
	۰/۷۵	۰/۵۸	۰/۵۷	۰/۶۳	عملکرد مالی
۰/۷۹	۰/۵۲	۰/۷۰	۰/۳۳	۰/۶۵	ساختار سرمایه

روایی واگرا، دو مطلب را بررسی می کند: مورد اول، مقایسه میزان همبستگی بین متغیرهای آشکار با متغیر پنهان مربوط به آن در مقابل همبستگی آنها با سایر متغیرهای پنهان؛ مورد دوم، مقایسه میزان همبستگی یک متغیر پنهان با متغیرهای آشکارش در مقابل همبستگی آن با سایر متغیرهای پنهان (فورنل<sup>۱</sup> و لارکر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱).

**جدول (۳) بار عاملی متغیرهای آشکار پژوهش برای بررسی روایی واگرا**

کیفیت سود	ساختار سرمایه	عملکرد مالی	کیفیت حسابداری	حاکمیت شرکتی	متغیرهای آشکار
۰/۵۹	۰/۶۲	۰/۵۲	۰/۷۱	۰/۹۲	تمرکز مالکیت
۰/۷۳	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۷۷	۰/۹۴	سهامداران نهادی
۰/۶۵	۰/۲۷	۰/۴۳	۰/۹۲	۰/۸۰	تخصص مؤسسه حسابداری
۰/۵۵	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۷۵	۰/۴۹	دوره تصدی
۰/۴۱	۰/۰۵	۰/۵۴	۰/۱۷	۰/۱۷	ارزش افزوده اقتصادی
۰/۴۹	۰/۵۹	۰/۹۲	۰/۶۷	۰/۶	کیو توبین
۰/۲۶	۰/۸۹	۰/۳۹	۰/۶۳	۰/۷	بدهی به دارایی ها
۰/۲۸	۰/۶۷	۰/۴۸	۰/۳۷	۰/۳۵	بدهی به حقوق صاحبان سهام
۰/۶۳	۰/۲۵	۰/۴۳	۰/۳۵	۰/۳۹	پایداری سود
۰/۷۷	۰/۴۷	۰/۳۸	۰/۶۹	۰/۶۴	صادقانه بودن سود
۰/۸۳	۰/۵۸	۰/۵۱	۰/۵۲	۰/۵۴	به موقع بودن سود

3. Henseler  
4. Ringle  
5. Sinkovics

1. Fornell  
2. Larcker

پس از اینکه برازش الگوی اندازه گیری و الگوی ساختاری تأیید شد، برازش کلی الگو با استفاده از معیار GOF بررسی می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2} \\ = \sqrt{0.67 \times 0.54} = 0.6$$

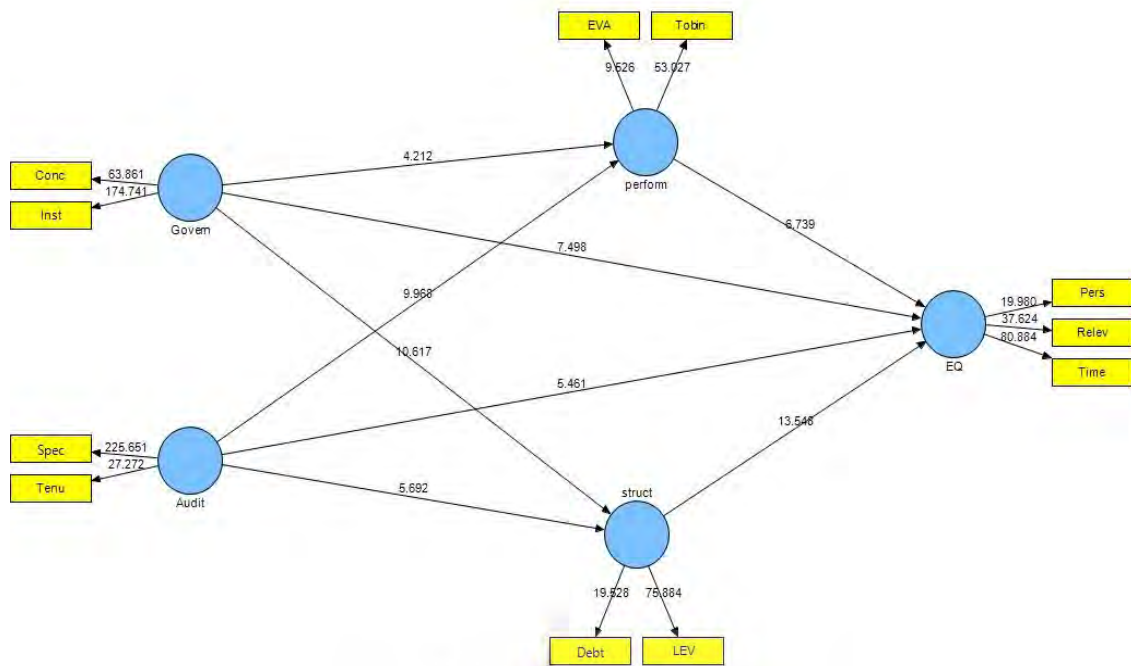
مقدار واریانس مشترک<sup>۱</sup> از میانگین واریانس مشترک متغیرهای پنهان به دست می‌آید. با توجه به جدول (۲)، مقادیر اشتراکی حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، عملکرد مالی، ساختار سرمایه و کیفیت سود به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۶ است. از طرف دیگر، مقدار  $R^2$  متغیرهای عملکرد مالی، ساختار سرمایه و کیفیت سود به ترتیب عبارت‌اند از: ۰/۴۲، ۰/۵۲ و ۰/۶۹. بدین ترتیب مقدار ۰/۶ برای GOF پژوهش به دست می‌آید. از آنجا که ۰/۲۵، ۰/۳۶ و ۰/۳۶ به منزله مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF (محسنین و اسفیدانی، ۲۰۱۴) ملاک عمل قرار می‌گیرد، مقدار ۰/۶ نشان دهنده برازش کلی قوی الگوی پژوهش است.

پس از تأیید برازش الگوی اندازه گیری، ساختاری و کلی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش آزمون می‌شوند. با توجه به شکل (۴)، ضرایب معناداری مسیرهای الگو بیشتر از ۱/۹۶ است. این مطلب نشان‌دهنده معنادار بودن تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی و ساختار سرمایه) حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود است. به عبارتی، هیچ کدام از فرضیه‌های پژوهش را نمی‌توان رد کرد.

پس از برازش الگوی اندازه گیری، باید برازش الگوی ساختاری بررسی شود. در این زمینه از سه معیار استفاده می‌شود. مهم ترین معیار، ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t-values است. اگر مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ باشند، در سطح اطمینان ۹۵٪ و چنانچه بیشتر از ۲/۶۶ باشند در سطح اطمینان ۱٪ معنادارند (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). شکل (۴) نشان می‌دهد ضرایب معناداری همه مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین، همه مسیرها معنادار است.

معیار دوم، ضرایب  $R^2$  مربوط به متغیرهای درون‌زای (وابسته) الگوست که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زاست. مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به منزله مقدار ضعیف، متوسط و قوی  $R^2$ ، ملاک قرار می‌گیرد (محسنین و اسفیدانی، ۲۰۱۴). مطابق با شکل (۳)، مقدار  $R^2$  برای متغیرهای عملکرد مالی، ساختار سرمایه و کیفیت سود است. در واقع، این ضریب برای متغیرهای برون‌زا محاسبه نمی‌شود. مقدار  $R^2$  برای سازه عملکرد مالی ۰/۴۲، ساختار سرمایه ۰/۵۲ و کیفیت سود ۰/۶۹ محاسبه شده است که با توجه به مقدار ملاک، مناسب بودن برازش الگوی ساختاری را تأیید می‌کند.

معیار دیگری که قدرت پیش‌بینی الگو را می‌سنجد،  $Q^2$  است. مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی متغیر درون‌زاست (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). مقدار  $Q^2$  برای سازه کیفیت سود، عملکرد مالی و ساختار سرمایه به ترتیب برابر با ۰/۳۱، ۰/۲۲ و ۰/۳۱ است؛ بنابراین، سازه کیفیت سود و ساختار سرمایه که به ۰/۳۵ نزدیک است، قدرت پیش‌بینی قوی الگو و سازه عملکرد مالی، قدرت پیش‌بینی متوسط الگو را نشان می‌دهد. در مجموع برازش مناسب الگوی ساختاری تأیید می‌شود.



شکل (۴) ضرایب معناداری Z

برای آزمون تأثیر یک متغیر میانجی از آزمون سوبل استفاده می‌شود. چنانچه مقدار Z-Value به دست آمده از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ باشد، می‌توان معنادار بودن تأثیر متغیر میانجی را در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید کرد. با توجه به مقادیر نشان داده شده در جدول (۵)، همه مقادیر Z از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵٪ تأثیر متغیرهای میانجی تأیید می‌شود.

جدول (۵) مقادیر Z آزمون سوبل

مقدار z آزمون سوبل	مسیر
۳/۵۸	حاکمیت شرکتی - عملکرد مالی - کیفیت سود
۸/۴۲	حاکمیت شرکتی - ساختار سرمایه - کیفیت سود
۵/۵۹	کیفیت حسابرسی - عملکرد مالی - کیفیت سود
۵/۳۳	کیفیت حسابرسی - ساختار سرمایه - کیفیت سود

تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب بهبود کیفیت سود شود. حاکمیت شرکتی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی، به میزان ۵٪ (۰/۲۳۱×۰/۱۹۶) بر متغیر کیفیت سود اثر می‌گذارد. به عبارتی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی سبب افزایش و بهبود عملکرد مالی می‌شود و افزایش عملکرد مالی،

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌ها، به تفکیک مسیرهای موجود در الگوی مفهومی پژوهش ارائه می‌شود: مقدار ضریب مسیر در فرضیه ۱ معادل ۵۹٪ و ضریب معناداری معادل ۷/۴۹ است؛ بنابراین، حاکمیت شرکتی با کیفیت سود هم جهت است و به میزان ۵۹٪ به‌طور مستقیم (بدون متغیر میانجی) بر متغیر کیفیت سود

کیفیت حسابرسی و کیفیت سود تأثیر معنادار دارند. در مجموع، حاکمیت شرکتی به میزان  $0.40 / (0.24 - 0.5) + 0.59$  و کیفیت حسابرسی به میزان  $0.39 / (0.13 - 0.11) + 0.41$  بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارند و می‌توانند  $69\%$  (مقدار  $R^2$  از شکل ۳) از کل واریانس (تغییرات) متغیر کیفیت سود را پیش‌بینی و تبیین کنند.

### نتایج و پیشنهادها

هدف این پژوهش الگویی ساختاری عوامل مؤثر بر کیفیت سود است. بدین منظور، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، متغیرهای مستقل، عملکرد مالی و ساختار سرمایه، متغیرهای میانجی و کیفیت سود متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌ها، حاکمیت شرکتی قوی موجب بهبود کیفیت سود حسابداری می‌شود؛ یعنی وجود حاکمیت شرکتی قوی و مستحکم، رفتار فرصت طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می‌کند؛ بنابراین، کیفیت و توان اتکا به سود بهبود می‌یابد. نتیجه پژوهش با فرضیه نظارت همخوانی دارد؛ زیرا ساختارهای راهبردی قوی تر سبب نظارت بیشتر می‌شود و در نتیجه کیفیت سود بهبود می‌یابد. مدیران شرکت‌هایی که مالکان متعدد دارند و سهامداران عمده ندارند، انگیزه بیشتری برای مدیریت سود دارند؛ زیرا هزینه پردازش اطلاعات برای سهامداران جزء، توجیه اقتصادی ندارد. در نتیجه، آنان مجبورند به اطلاعات سود و زیان گزارش شده توسط مدیریت شرکت‌ها اتکا کنند (بلاک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). از طرف دیگر، مالکان نهادی سرمایه‌گذاران حرفه‌ای با اهداف بلندمدت‌اند. با توجه به حجم سرمایه‌گذاری و حرفه‌ای بودن مالکان نهادی، حضور آنان موجب نظارت بر مدیریت می‌شود. این موضوع می‌تواند به جای تمرکز بر اهداف کوتاه مدت

افزایش کیفیت سود را به دنبال خواهد داشت. حاکمیت شرکتی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به میزان  $0.24 / (0.41 \times 0.491)$  بر متغیر کیفیت سود تأثیر دارد. به عبارتی، سازوکارهای حاکمیت شرکتی سبب افزایش تأمین مالی از طریق بدهی می‌شود که این امر، کاهش کیفیت سود را به همراه خواهد داشت (به دلیل وجود علامت منفی در مسیر ساختار سرمایه و کیفیت سود در شکل ۳).

طبق معیارهای مذکور، تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود، از تأثیر غیرمستقیم آن و از مسیر متغیرهای میانجی قوی‌تر است. با توجه به مقادیر Z آزمون سوبل، متغیرهای میانجی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود تأثیر معنادار دارند.

مقدار ضریب مسیر در فرضیه ۲، معادل  $0.41$  و ضریب معناداری معادل  $0.46$  است؛ بنابراین، کیفیت حسابرسی با کیفیت سود هم جهت است و به میزان  $0.41$  به‌طور مستقیم (بدون متغیر میانجی) بر متغیر کیفیت سود تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، با بهبود کیفیت حسابرسی، کیفیت سود نیز ارتقا می‌یابد. کیفیت حسابرسی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی، به میزان  $0.11 / (0.231 \times 0.479)$  بر متغیر کیفیت سود اثر می‌گذارد. به عبارتی، افزایش کیفیت حسابرسی موجب بهبود عملکرد مالی می‌شود که بهبود عملکرد مالی نیز موجب افزایش کیفیت سود خواهد شد. کیفیت حسابرسی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به میزان  $0.13 / (0.41 \times 0.267)$  بر متغیر کیفیت سود تأثیر دارد. به عبارتی، افزایش کیفیت حسابرسی سبب افزایش میزان بدهی و به دنبال آن کاهش کیفیت سود می‌شود. طبق معیارهای مذکور، تأثیر مستقیم کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود، از تأثیر غیرمستقیم آن و از مسیر متغیرهای میانجی قوی‌تر است. با توجه به آزمون سوبل، متغیرهای میانجی بر رابطه بین

دستکاری سود در جهت کاهش احتمال نقض شروط قرارداد بدهی، انگیزه پیدا می کنند که این امر موجب تخریب کیفیت سود می شود. همین طور دریافت وام می تواند انگیزه ای برای دستکاری سود باشد؛ زیرا اعتباردهندگان هنگام اعطای وام، به اطلاعات صورت های مالی برای ارزیابی توان بازپرداخت وام اتکا می کنند. نتایج همسو با پژوهش های برگستاهلر و دیچو (۱۹۹۷)، بریلسفورد و همکاران (۲۰۰۲)، گامپرز و همکاران (۲۰۰۳)، رهنمای رودپشتی و اصلانی (۲۰۰۸)، رضایی و محمدزاده (۲۰۱۸) و مخالف با پژوهش های ماتسوموتو (۲۰۰۲) و بوشی (۱۹۹۸) است.

نتایج پژوهش نشان می دهد کیفیت حسابداری می تواند به طور مستقیم و از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی، اثر مثبت بر کیفیت سود داشته باشد. بدین معنا که داشتن تخصص و دوره تصدی طولانی تر می تواند کیفیت حسابداری را بالا ببرد؛ حسابرسان متخصص زیرا از دانش و شناخت بیشتری نسبت به سایر حسابرسان برخوردارند و سعی می کنند از مدیریت فرصت طلبانه سود ممانعت و شهرت خویش را حفظ کنند. در واقع، آنها در صنعت با احتمال بیشتری نسبت به حسابرسان غیرمتخصص، برای کشف گزارشگری گمراه کننده و موارد غیرقانونی موفق می شوند. به علاوه، حسابداری با بهبود محیط اطلاعاتی و کاهش انتخاب نادرست و خطر اخلاقی در تصمیم گیری های مدیریت، به اثربخشی تصمیم های سرمایه گذاری مدیریت و در نهایت کارآیی سرمایه گذاری های شرکت کمک می کند. یافته ها نشان دهنده این است که کیفیت حسابداری از طریق متغیر میانجی ساختار سرمایه اثر منفی بر کیفیت سود دارد؛ یعنی از یک طرف، شرکت هایی که از حسابداری با کیفیت تر استفاده می کنند، دسترسی بیشتری به تأمین مالی از طریق بدهی دارند؛ زیرا

سودآوری، موجب توجه به حداکثرسازی ارزش بلندمدت شرکت شود (بارتو، رادکریشنان<sup>۱</sup> و کرینسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰)؛ بنابراین، حاکمیت شرکتی قوی می تواند بهبود کیفیت سود حسابداری را به دنبال داشته باشد. نتایج نشان می دهد حاکمیت شرکتی قوی موجب بهبود عملکرد مالی می شود و بهبود عملکرد مالی بهبود کیفیت سود را به همراه دارد. می توان چنین نتیجه گیری کرد که شرکت های دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تر، عملکرد بهتر و ارزش بالاتری دارند و این امر از پایین بودن هزینه های نمایندگی نشئت می گیرد. از طرف دیگر، شرکت های دارای عملکرد ضعیف، از رویه های حسابداری برای بهبود سود شرکت استفاده می کنند؛ بنابراین، کیفیت سود پایینی دارند (دویل و همکاران، ۲۰۰۷). آزمون فرضیه چهارم نشان می دهد حاکمیت شرکتی از طریق ساختار سرمایه می تواند موجب کاهش کیفیت سود شود. می توان چنین استنباط کرد که سهامداران اکثریت نمی خواهند با آوردن شرکای جدید کنترل خود را بر شرکت از دست بدهند؛ بنابراین، به تأمین مالی از طریق استقراض روی می آورند؛ یعنی حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت بر ساختار سرمایه دارد. از طرف دیگر، فرضیه بدهی پیش بینی می کند که اگر یک واحد تجاری برای دریافت وام با اعتباردهندگان قرارداد مبتنی بر ارقام حسابداری تنظیم کند، اعتباردهنده، محدودیت ها و شرطهایی نظیر داشتن حد معینی از نسبت بدهی را برای آن واحد تعیین می کند. این موضوع سبب می شود مدیران از روش ها و فن های حسابداری استفاده کنند که سودها و دارایی ها را افزایش دهند تا نسبت بدهی کاهش یابد (واتس<sup>۳</sup> و زیمرمن<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸)؛ بنابراین، مدیران فرصت طلب برای

1. Radhakrishnan
2. Krinsky
3. Watts
4. Zimmerman

صورت های مالی بر محاسبه متغیرهای پژوهش مؤثر است که نادیده گرفته شده است. ۳- کنترل نشدن برخی عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی که خارج از دسترس پژوهشگر است. ۴- در اندازه گیری کیفیت سود اجماع نظری وجود ندارد؛ بنابراین، روش های متفاوتی به کار می رود که ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

### منابع فارسی

- [۱] آگهی اسکویی، الف.، و ملکی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و ارزش افزوده اقتصادی در شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲ (۴)، ۷۵-۹۶.
- [۲] امیری، ه.، و محمدی خورزوقی، ه. (۱۳۹۱). تحلیل ارتباط بین تأمین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۴ (۱۶)، ۸۱-۶۱.
- [۳] انصاری، ع.، و نداپور، غ.، و شیرزاد، ع. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شرکت بر مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دومین همایش بررسی راهکارهای ارتقای مباحث مدیریت، حسابداری، مهندسی صنایع در سازمان ها.
- [۴] بادآور نهندي، ی.، و تقی زاده خانقاه، و. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارآیی سرمایه گذاری. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰ (۲)، ۴۲-۱۹.
- [۵] بذرافشان، آ.، و عارف منش، ز. (۱۳۹۳). رفتار سود در شرکت های ورشکسته: نقش حسابرس. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲ (۴)، ۱-۱۴.

حسابرسی باکیفیت، سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود و اعتباردهندگان با اطمینان بیشتری وام در اختیار اعتبارگیرندگان قرار می دهند. از طرف دیگر، افزایش بدهی با توجه به فرضیه بدهی موجب کاهش کیفیت سود خواهد شد. نتایج همسو با پژوهش های اشلمن و گو (۲۰۱۴)، بای و چوی (۲۰۱۲)، لین و وانگ (۲۰۱۰)، بادآور نهندي و تقی زاده خانقاه (۲۰۱۴)، باتیا و همکاران (۲۰۱۵)، الزوبی (۲۰۱۸) و مخالف با پژوهش های علوی طبری و هاشمیان (۲۰۱۱) و صالحی و همکاران (۲۰۱۴) است.

بر اساس نتایج به سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و تحلیلگران مالی توصیه می شود با استفاده از عوامل مؤثر شناسایی شده در پژوهش و میزان و جهت (مثبت یا منفی) اثر مستقیم و غیرمستقیم هر کدام از آنها، کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی را ارزیابی کنند. به عبارت دیگر، کاربران گزارش های مالی باید به اثرات مستقیم و غیرمستقیم مثبت و اثرات غیرمستقیم منفی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به طور همزمان توجه کنند. سازمان بورس اوراق بهادار نیز می تواند برای تعیین کیفیت سود شرکت ها، از عوامل مؤثر شناسایی شده استفاده کند؛ در واقع، برای تدوین قوانین و مقررات (برای مثال قوانینی برای تقویت ساختار حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی شرکت ها) و نظارت (بر شرکت هایی که کیفیت سود پایین تری دارند)، از نتایج استفاده کند.

مهم ترین محدودیت هایی که در جمع آوری داده ها و اجرای پژوهش وجود دارد و در تفسیر و تعمیم نتایج باید به آنها توجه شود، عبارت اند از: ۱- به دلیل برخی معیارهای گزینشی (مانند سال مالی منتهی به پایان اسفندماه) در انتخاب شرکت ها و ناقص بودن داده های برخی شرکت ها، تعداد شرکت های مطالعه شده کاهش یافت. ۲- شرایط تورمی کشور و عدم تعدیل اقلام



[۱۳] علوی طبری، ح.، و هاشمیان، م. (۱۳۹۰). تأثیر کیفیت حسابرسی بر تصمیمات تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری*، ۱ (۱)، ۱۷-۱.

[۱۴] محسنین، ش.، و اسفیدانی، م. (۱۳۹۳). *معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار Smart-PLS*. تهران: مهربان.

[۱۵] نمازی، م.، و بایزیدی، الف.، و جابزاده کنگرلویی، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۳ (۹)، ۲۱-۴.

[۱۶] نوروش، الف.، مشایخی، ب.، و برقی، ز. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اقلام تعهدی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱ (۳)، ۵۳-۳۱.

## References

- [17] Agahi Oskuei, A., & Maleki, M. (2014). Investigating the relationship between corporate governance and economic value added in manufacturing companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Asset Management and Financing*, 2 (4), 75-96. (in persian).
- [18] Alavi Tabari, S. H., & Hashemian, S. M. (2011). Effect of audit quality on financing decisions in companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 1 (1), 1-17. (in persian). Doi: 10.22051/ijar.2013.426.
- [19] Alzoubi, E. S. S. (2018). Audit quality, debt financing and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 30, 69-84. <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2017.12.001>.
- [20] Amiri, H., & Mohammadi Khorzugh, H. (2013). Analysis of the relationship between debt financing and earnings quality of listed companies in Tehran Stock Exchange.

[۶] بندریان، الف.، و وحیدی الیزئی، الف.، و مقصودی، ف. (۱۳۹۷). تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰ (۳۷)، ۲۱۴-۱۹۵.

[۷] بولو، ق. (۱۳۸۵). نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود. *مجله بورس*، ۵۲، ۸-۱۱.

[۸] داوری، ع.، و رضازاده، آ. (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*. تهران: جهاد دانشگاهی.

[۹] رضایی، ش.، و محمدزاده، الف. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و بحران مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله مدیریت توسعه و تحول*، ۳۲، ۸۱-۸۸.

[۱۰] رهنمای رودپشتی، ف.، و اصلانی، ع. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و روش‌های تأمین مالی و سودآوری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله مدیریت*، ۷۸، ۴۵-۵۳.

[۱۱] صالحی، الف.، بزرگمهریان، ش.، و امینی، الف. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر پایداری سود (مطالعه موردی: شرکت‌های در مانده مالی نسبت به دیگر شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامه علمی - پژوهشی حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵ (۲۰)، ۴۷-۵۹.

[۱۲] صالحی، م.، موسوی شبیری، م.، و سدیرنوغانی، ح. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۵ (۲۰)، ۱-۲۱.

- [30] Beatty, A., & Weber, J. (2003). the effects of debt contracting on voluntary accounting method changes. *the Accounting Review*, 78 (1), 119-142.
- [31] Bhatia, A., Ali, M. J., Balachandran, B., & Jurdi, D. (2015). Audit fees and capital structure decision. [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- [32] Black, B. S. (1992). Institutional investors and corporate governance: the case for institutional voice. *Journal of Applied Corporate Finance*, 5 (3), 19-32. <https://doi.org/10.1111/j.17456622.1992.tb00223.x>
- [33] Bolu, G. (2007). Corporate governance and its impact on the earning quality. *Exchange Magazine*, 52, 8-11. (in persian).
- [34] Brailsford, T. J., Oliver, B. R., & Pua, S. L. (2002). on the relation between ownership structure and capital structure. *Accounting & Finance*, 42 (1), 1-26. <https://Doi.org/10.1111/1467-629X.00001>.
- [35] Brown, L. D., & Caylor, M. L. (2006). Corporate governance and firm valuation. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25, 409-434. <https://Doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2006.05.005>.
- [36] Broye, G., & Weill, L. (2008). Does leverage influence auditor choice? a cross-country analysis. *Applied Financial Economics*, 18 (9), 715-731. Doi: 10.1080/09603100701222325.
- [37] Burgstahler, D., & Dichev, I. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. *Journal of Accounting And Economics*, 24 (1), 99-126. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(97\)00017-7](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(97)00017-7).
- [38] Bushee, B. J. (1998). the influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *Accounting Review*, 73 (3), 305-333.
- [39] Chan, K., Chan, L. K., Jegadeesh, N., & Lakonishok, J. (2006). Earnings quality and stock returns. *Journal of Business*, 79 (3), 1-42. <http://dx.doi.org/10.1086/500669>.
- [40] Parsa, S., Chong, G., & Isimoya, E. (2007). Disclosure of governance information by small and medium-sized companies. *Corporate Governance: the International Journal of Business in Society*, 7 (5), 635-684. <https://doi.org/10.1108/14720700710827211>.
- [41] Damodaran, A. (2002). *Investment Valuation: Tools and Techniques for Quarterly Financial Accounting Journal*, 4 (16), 61-81. (in persian).
- [21] Ansari, A., Nedapour, G., & Shirzad, A. (2013). Investigating the company's performance on the real earning management and the overall level of earnings management in companies admitted to Tehran Stock Exchange. second conference on reviewing solutions for management Issues, accounting, industrial engineering in organizations. (in persian).
- [22] Anuar, H., & Chin, O. (2016). the development of debt to equity ratio in capital structure model: A case of micro franchising. *Procedia Economic and Finance*, 35, 274-280. [https://Doi.org/10.1016/S2212-5671\(16\)00034-4](https://Doi.org/10.1016/S2212-5671(16)00034-4).
- [23] Badavar Nahandi, Y., & Taghizadeh Khanghah, V. (2014). Investigating the relationship between audit quality and investment efficiency. *Accounting and Audit Reviews*, 20 (2), 19-42. (in persian).
- [24] Bae, G. S., & Choi, S. U. (2012). Do industry specialist auditors improve investment efficiency? [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com). [http://dx. Doi.org/10.2139/ssrn.2145191](http://dx.Doi.org/10.2139/ssrn.2145191).
- [25] Bandarian, A., Vahidi Elizooei, A., & Maghsudi, F. (2018). the effect of quality moderation and continuity of audit on the relationship between ownership structure and profit management. *the Financial Accounting and Auditing Researches*, 10 (37), 195-213. (in persian).
- [26] Bartov, E. (1993). the timing of asset sales and earnings manipulation. *Accounting Review*, 68 (4), 840-855.
- [27] Bartov, E., Radhakrishnan, S., & Krinsky, I. (2000). Investor sophistication and patterns in stock returns after earnings announcements. *the Accounting Review*, 75 (1), 43-63. <https://doi.org/10.2308/accr.2000.75.1.43>.
- [28] Bassiouny, S. W., Soliman, M. M., & Ragab, A. (2016). the impact of firm characteristics on earnings management: An empirical study on the listed firms in Egypt. *the Business and Management Review*, 7 (2), 91-101.
- [29] Bazr afshan, A., & Aref manesh, Z. (2014). Profit behavior in bankrupt companies: the role of an auditor. *Asset Management and Financing*, 2 (4), 1-14. (in persian).

- 118 (1), 107-156. <https://doi.org/10.1162/00335530360535162>.
- [53] Gul, F. A., Fung, S. Y. K., & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47 (3), 265-287. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.03.001>.
- [54] Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277-320. [https://doi.org/10.1108/S1474-7979\(2009\)0000020014](https://doi.org/10.1108/S1474-7979(2009)0000020014).
- [55] Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20, 195-204. Doi:10.1002/(SICI)1097-0266(199902)20:2<195::AID-SMJ13>3.0.CO;2-7.
- [56] Ittonen, K. (2010). *A Theoretical Examination of the Role of Auditing and Relevance of Audit Reports*. Business Administration 28, Accounting and Finance, University of Vaasa. <http://www.uva.fi/material>.
- [57] Jung, K., & Kwon, S. Y. (2002). Ownership structure and earnings informativeness: Evidence from Korea. *the International Journal of Accounting*, 37 (3), 301-325. [https://doi.org/10.1016/S0020-7063\(02\)00173-5](https://doi.org/10.1016/S0020-7063(02)00173-5).
- [58] Lin, J. W., & Hwang, M. I. (2010). Audit quality, corporate governance and earnings management: A meta-analysis. *International Journal of Auditing*, 14 (1), 57-77. <https://doi.org/10.1111/j.1099-1123.2009.00403.x>.
- [59] Matsumoto, D. A. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises. *the Accounting Review*, 77 (3), 483-514. <https://doi.org/10.2308/accr.2002.77.3.483>.
- [60] Mayhew, B., & Wilkins, M. (2003). Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public auditing. *A Journal of Practice & Theory*, 22 (2), 33-52. <https://doi.org/10.2308/aud.2003.22.2.33>.
- [61] Mohsenin, S., & Sfidani, M. R. (2014). *Structural equations based on partial least squares*. United States of America: Wiley.
- [42] Das, S., & Pandit, S. (2010). Audit quality, life-cycle stage and the investment efficiency of the firm. [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- [43] Davari, A., & Reza zadeh, A. (2014). *Modeling Structural Equations with PLS Software*. Tehran: Jahad University Press. (in persian).
- [44] DeAngelo, H., DeAngelo, L., & Skinner, D. J. (1994). Accounting choice in troubled companies. *Journal of Accounting and Economics*, 17 (1-2), 113-143. [https://doi.org/10.1016/0165-4101\(94\)90007-8](https://doi.org/10.1016/0165-4101(94)90007-8).
- [45] Dechow, P. (1994). Accounting earnings and cash flows as measures of firm performance the role of accounting accruals. *Journal of Accounting and Economic*, 18 (1), 3-42. [https://doi.org/10.1016/0165-4101\(94\)90016-7](https://doi.org/10.1016/0165-4101(94)90016-7).
- [46] Dittmar, A., & Mahrt-Smith, J. (2007). Corporate governance and the value of cash holdings. *Journal Of Financial Economics*, 83 (3), 599-634. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.12.006>.
- [47] Doyle, J. T., Ge, W., & McVay, S. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting. *the Accounting Review*, 82 (5), 1141-1170. <https://doi.org/10.2308/accr.2007.82.5.1141>.
- [48] Eshleman, J. D., & Guo, P. (2014). Abnormal audit fees and audit quality: the importance of considering managerial incentives in tests of earnings management. *Auditing: a Journal of Practice & Theory*, 33 (1), 117-138. <https://doi.org/10.2308/ajpt-50560>.
- [49] Financial Accounting Standards Board. (2003). Statement of Financial Accounting Standards.
- [50] Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18 (1), 39-50. <https://doi.org/10.1177/002224378101800104>.
- [51] Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *the Accounting Review*, 79, 967-1010. [10.2308/accr.2004.79.4.967](https://doi.org/10.2308/accr.2004.79.4.967).
- [52] Gompers, P., Ishii, J., & Metrick, A. (2003). Corporate governance and equity prices. *the Quarterly Journal of Economics*,

- [67] Rezaei, Sh. & Mohammadzadeh, A. (2018). Investigating the effect of corporate governance on financial performance and financial crisis in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Development Evolution Management*, 32, 81-88. (in persian).
- [68] Salehi, A., Bozorgmehr, S., & Amini, A. (2016). Investigating the effect of audit quality on earnest stability. case study: Helpless financial companies compared to other Tehran Stock Exchange companies. *Journal of Management Accounting and Auditing*, 5 (20), 47-59. (in persian).
- [69] Salehi, M., Mousavi Shabiri, M., & Sadir Noghani, H. (2014). Investigating the relationship between auditor fees and the performance of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 5 (20), 1-21. (in persian).
- [70] Schipper, K., & Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*, 17, 97-110.
- [71] Wang, S. F., Jou, Y. J., Chang, K. C., & Wu, K. W. (2014). Industry competition, agency problem and firm performance. *Romanian Journal of Economic Forecasting*, 17 (4), 76-93.
- [72] Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards. *Accounting Review*, 53 (1), 112-134.
- squares approach using Smart-PLS software*. Tehran: Book Publishing Institute. (in persian).
- [62] Namazi, M., Bayazidi, A., & Jabbar Zadeh Kangarluei, S. (2011). Investigating the relationship between audit quality and earnings management of companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 3 (9), 4-21. (in persian).
- [63] Noe, T. (2002). Institutional activism and financial market structure. *Review of Financial Studies*, 15, 289-315. <https://doi.org/10.1093/rfs/15.1.289>.
- [64] Nowraves, I., Mashayekhi, B., & Baraghei, Z. (2009). Investigating the effect of accruals on earnings quality in companies admitted to the stock exchange. *Quarterly Financial Accounting*, 1 (3), 31-53. (in persian).
- [65] Peasnell, K. V., Pope, P. F., & Young, S. (2005). Board monitoring and earnings management: Do outside Directors influence abnormal accruals? *Journal of Business Finance & Accounting*, 32 (7-8), 1311-1346. <https://doi.org/10.1111/j.0306-686X.2005.00630.x>.
- [66] Rahnamaye Roudposhti, F., & Aslani, A. (2008). Investigating the relationship between corporate governance and financing methods and profitability in the companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal Management System*, 78, 45-53. (in persian).